

بررسی سبک‌های فرزندپروری، سبک‌های دل‌بستگی و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه دانش‌آموزان کمرو و عادی

ناصر یوسفی*
داود چهاردولی**
سمیرا پشآبادی***

چکیده

ناتوانی در برقراری روابط اجتماعی یکی از مشکلات عمده‌ای است که تأثیر بازدارنده و مهمی بر کارآمدی و پویایی جوانان و نوجوانان دارد و از شکل‌گیری سالم هویت و شکوفایی استعدادها و قوای فکری و عاطفی در آن‌ها جلوگیری می‌کند. این پژوهش با هدف بررسی سبک‌های فرزندپروری، سبک‌های دل‌بستگی و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در دانش‌آموزان کمرو و عادی به علی-مقایسه‌ای انجام گرفت. جامعه این پژوهش شامل تمامی دانش‌آموزان دوره متوسطه دوم شهرستان شاهین‌دژ از استان آذربایجان غربی بود. ۱۲۰ دانش‌آموز کمرو و عادی (۶۰ دانش‌آموز در هر گروه) به روش نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای انتخاب شدند و به پرسش‌نامه‌های کمرویی سموعی، سبک‌های فرزندپروری بامریند، مقیاس دل‌بستگی بزرگسالان هازن و شیور و فرم کوتاه پرسش‌نامه طرح‌واره یانگ پاسخ دادند. داده‌ها با استفاده از آزمون تی-تست گروه‌های مستقل تحلیل شدند. نتایج نشان داد که دانش‌آموزان عادی در مقایسه با دانش‌آموزان کمرو در سبک فرزندپروری مقتدرانه و سبک دل‌بستگی ایمن نمرات بالاتری و دانش‌آموزان کمرو در سبک فرزندپروری مستبدانه، سبک دل‌بستگی نایمن اجتنابی، نایمن دوسوگرا و سایر طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه نمرات بالاتری کسب کردند و در سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه و طرح‌واره‌های ایثار و استحقاق نیز بین دو گروه تفاوت مشاهده نشد. در *g*؛ این مطالعه حاکی از وجود تفاوت بین دانش‌آموزان کمرو و عادی از لحاظ سبک‌های فرزندپروری، سبک‌های دل‌بستگی و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه بود.

واژه‌های کلیدی: سبک‌های فرزندپروری والدین، سبک‌های دل‌بستگی، طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، کمرویی، دانش‌آموزان

مقدمه

امروزه یکی از اصلی‌ترین ابعاد زندگی در دوره‌های مختلف سنی، به‌ویژه دوره نوجوانی، روابط اجتماعی و تعامل فرد با دیگران است (Yan, Boen, Greken, Schorpp, & Harris, 2016). ناتوانی در برقراری روابط اجتماعی یکی از مشکلات عمده‌ای است که تأثیر بازدارنده و مهمی بر کارآمدی و پویایی جوانان و نوجوانان دارد و از شکل‌گیری سالم هویت و شکوفایی استعدادها و قوای فکری و

n.yoosefi@uok.ac.ir

* دانشیار گروه مشاوره، دانشگاه کردستان، کردستان، ایران (نویسنده مسئول)

** کارشناس ارشد مشاوره مدرسه، دانشگاه کردستان، کردستان، ایران

*** کارشناس ارشد مشاوره مدرسه، دانشگاه کردستان، کردستان، ایران

عاطفی در آن‌ها جلوگیری می‌کند (Bashirpur, Salimi, & Farahbakhsh, 2013). در این رابطه یکی از ویژگی‌های شخصیتی که به شدت بر روابط اجتماعی افراد تأثیر می‌گذارد پدیده کمرویی (shyness) است (Tan, Lau, & Lee, 2017). کمرویی یک ناتوانی و معلولیت اجتماعی است و در هر جامعه‌ای درصد قابل توجهی از کودکان، نوجوانان و بزرگسالان با این مشکل که عاملی بازدارنده برای رشد شخصیت اجتماعی می‌باشد، مواجه هستند (Jaafari & Mehrafzoun, 2013). در طول دهه‌های گذشته پژوهش‌ها نشان داده‌اند که کمرویی یک پیش‌بینی‌کننده قابل اعتماد فقر و سلامت جسمانی و روانی در دانش‌آموزان می‌باشد و با برخی از اختلال‌های روان‌پزشکی مانند اختلالات خلقی و اختلالات اضطرابی به‌ویژه اختلال اضطراب اجتماعی رابطه مثبت دارد (Miller, Schmidt, & Vaillancourt, 2008). هر فردی ممکن است کمرویی و خجالت‌زدگی را تا حدودی تجربه کند و در برخی از موقعیت‌ها کمرو باشد که به آن کمرویی موقعیتی گفته می‌شود ولی زمانی که کمرویی غالب تعاملات اجتماعی و روابط بین فردی شخص را در برگیرد می‌توان این نوع کمرویی را به‌عنوان یک ویژگی شخصیتی برای این فرد تلقی نمود (Eggum-Wilkens, Lemery-Chalfant, Aksan, & Goldsmith, 2015). دیدگاه‌های مختلفی برای تبیین کمرویی وجود دارد که یکی از آن‌ها رویکرد شناختی است که کمرویی و ترس از روابط اجتماعی را ناشی از افکار مخرب حاکم بر انسان می‌داند (Jaafari & Mehrafzoun, 2013). همچنین طبق دیدگاه پیازه تجربه کمرویی یک بخش مهم آگاهی کودک از خود محسوب می‌شود؛ چرا که کودک قادر به نگرانی در مورد ارزیابی اجتماعی است (Colonesi, Nikoli, Vente, & Bögels, 2016).

مطالعات نشان می‌دهد که کمرویی می‌تواند متأثر از سبک‌های فرزندپروری (parenting styles) باشد (Farahini, Afrouz Rasoulzadeh, & Tabatabaee, 2013). سبک‌های فرزندپروری والدین یکی از عوامل مربوط به خانواده است که بر بسیاری از جنبه‌های عملکردی زندگی، نظیر عملکرد فرزندان در حوزه‌های مختلف تأثیر دارد (Rose, Roman, Mwaba, & Ismail, 2017). طبق تعریف دارلینگ و استینبرگ (Darling & Steinberg, 1993) سبک‌های فرزندپروری مجموعه‌ای از گرایش‌ها، اعمال و جلوه‌های غیرکلامی است که ماهیت تعامل کودک و والدین را در موقعیت‌های گوناگون مشخص می‌کند. بامریند (Baumrind, 1991) سبک‌های فرزندپروری را شامل رفتارهای گوناگون متنوع، بهنجار و طبیعی می‌داند (Faramarzi, Taghipour Javan, Dehghani, & Moradi, 2013) وی دریافت که سبک‌های مختلف فرزندپروری والدین در دو بُعد با یکدیگر تفاوت دارند، بُعد اول توقع/کنترل و بُعد دوم پذیرندگی/اجابت‌لست که ترکیب این دو بُعد چهار سبک فرزندپروری را به وجود می‌آورد که پژوهش بامریند بر سه شیوه آن متمرکز است: سبک والدینی مقتدرانه (authoritative parenting)، سبک والدینی مستبدانه (authoritarian parenting) و سبک سهل‌گیرانه (permissive parenting). چهارمین سبک، یعنی، سبک والدینی بی‌توجه (neglectful parenting) را محققان دیگری مورد مطالعه قرار داده‌اند. برک (Berk, 2002) سبک فرزندپروری مقتدرانه در والدینی است که رفتار والدینی انعطاف‌پذیر، واضح، روشن و باثبات دارند، آن‌ها در عین حال که به فرزندانشان توجه می‌کنند و به استقلال و خودمختاری آن‌ها احترام می‌گذارند، بر موقعیت‌ها نظارت کلی دارند. سبک

فرزندپروری مستبدانه در والدینی است که انتظار اطاعت و فرمان‌برداری شدید از فرزند خود را دارند و تمایل به اعمال تسلط از طریق تنبیه داشته و بسیار کنترل‌کننده می‌باشند و انتظار اطاعت بی‌چون و چرا دارند، و در نهایت سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه در والدینی است که روابط گرمی با فرزند خود دارند و بر رفتار آن‌ها نظارت کمی اعمال می‌کنند و یا هیچ‌گونه نظارتی اعمال نمی‌کنند و معتقدند کودک خود می‌تواند هدایت‌گر رفتار خویش باشد (Allipour Birgani, 2012 Koumoundourou, Tsaousis, & Kounenou, 2011).

این سبک‌ها نقش مهمی در رشد روانی-اجتماعی، ارتباطات خانوادگی، موفقیت‌های تحصیلی، آسیب‌شناسی روانی، توانایی تصمیم‌گیری و اعتماد به نفس نوجوانان ایفا می‌کند (Zarei, 2010). همچنین آموزش فرزندپروری مثبت به والدین برای صرف وقت کافی و داشتن روابط صمیمی با کودک و توجه و تقویت مناسب رفتار کودک و نه صرفاً توجه و تنبیه رفتار منفی کودک، باعث تقویت کیفیت رابطه والد و کودک می‌شود و میزان پاسخ مثبت عاطفی در روابط آن‌ها را افزایش می‌دهد (Davoudi, Basak, & Zarezadegan, 2012). پژوهش‌گران نشان داده‌اند که سبک‌های فرزندپروری والدین با کمرویی و اختلالات نزدیک به آن مرتبط است. زیملاردو و رادل (Zimbardo & Radl, 1981) این نکته را تأیید کردند که کودکانی که در روابط والد-فرزندشان قوانین انضباطی شدیدی را تجربه می‌کنند ممکن است بیاموزند که در حضور دیگران مضطرب و کمرو باشند. مسعود، احمد، چو و فاخر (Masud, Ahmad, Cho, & Fakhr, 2019) نشان دادند که سبک‌های فرزندپروری تأثیر مستقیمی بر پرخاش‌گری کودکان دارد و سبک فرزندپروری مقتدرانه نقش مثبتی در رفتار روان‌شناختی کودکان دارد، در حالی که سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه و مستبدانه منجر به رفتارهای پرخاش‌گرانه و منفی در کودکان می‌شود. نتایج پژوهش کاپنز و کولمنز (Kuppens & Ceulemans, 2019) نشان داد که سبک فرزندپروری مقتدرانه با پیامدهای رفتاری مطلوب و سبک فرزندپروری مستبدانه با پیامدهای رفتاری نامطلوب کودکان ارتباط دارد. باس (Buss, 1991) دریافت که فرزندان والدین مستبد و سخت‌گیر کم‌روتر هستند. درویزه و آزادی (Darvizeh & Azadi, 2010) دریافتند که شیوه‌های فرزندپروری با کمرویی دختران دبیرستانی رابطه مستقیم دارد و تقوی، ایراندوست، فرامرزی و نیکویخت (Taghavi, Irandost, Faramarzi, & Nikobakht, 2013) نشان دادند که بین سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه و مستبدانه والدین با کمرویی دانش‌آموزان رابطه مثبت و بین سبک فرزندپروری مقتدرانه با کمرویی دانش‌آموزان رابطه منفی و معنی‌دار وجود دارد.

علاوه بر سبک‌های فرزندپروری، کنش متقابل و رابطه عاطفی بین مادر و نوزاد نیز می‌تواند به روابط اجتماعی کودک در آینده را شکل داده و بر چگونگی اجتماعی شدن و کسب مهارت‌های اجتماعی کودک در آینده تأثیر بگذارد (Mohammad-Sadeghi, Ahmadzad-Asl, Mohammad-Sadeghi, & Ghanbari-Jolfaei, 2015). این پیوند عاطفی که بین مادر و نوزاد پدید می‌آید را دل‌بستگی می‌نامند (Brown, Gustafsson, Millskoonce & Cox, 2017; Bowlby, 1980). دل‌بستگی پیوندی است که فرد با مراقبین خویش (معمولاً مادر) برقرار می‌کند که ضمن تأمین امنیت

درون فردی و بین فردی، قالب ارتباطی وی در آینده را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد (Brone, Lionetti, & Green, 2017). طبق دیدگاه بالبی (Bowlby, 1980) سبک‌های دل‌بستگی ایجاد شده در دوران کودکی (دل‌بستگی ایمن، نایمن اجتنابی و نالیمن دوسوگرا) در مراحل بعدی زندگی تداوم یافته و زندگی فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهند. از نظر کولینز و رید (Collins & Read, 1994) افرادی که سبک دل‌بستگی ایمن دارند، روابط نزدیک و صمیمانه را راحت‌تر برقرار می‌کنند و از اینکه به دیگران تکیه کنند و نیز اجازه دهند که دیگران به آن‌ها تکیه کنند احساس راحتی می‌کنند، این افراد از این‌که دیگران آن‌ها را ترک کنند و یا خیلی به آن‌ها نزدیک شوند نگران نمی‌شوند. افرادی که سبک دل‌بستگی اجتنابی دارند، نمی‌توانند به‌طور کامل به دیگران اعتماد کنند و تکیه کردن به دیگران برایشان مشکل است و از اینکه به دیگران نزدیک شوند و یا کسی بخواهد به آن‌ها نزدیک شود، احساس ناراحتی می‌کنند و تصور می‌کنند که دیگران اغلب می‌خواهند بیش از حدی که آن‌ها احساس راحتی می‌کنند، صمیمی باشند و افراد دارای سبک دل‌بستگی دوسوگرا، تصور می‌کنند که دیگران مایل به برقراری روابط نزدیک با آن‌ها نیستند، این افراد مایلند که با بعضی از افراد کاملاً یکی شوند، اما این خواسته بعضی اوقات باعث ناراحتی و دوری مردم از آن‌ها می‌گردد. این سبک‌ها نقش به‌سزایی در نحوه برخورد نوجوانان با چالش‌های دوره نوجوانی دارد، به‌طوری‌که الگوهای ناسالم دل‌بستگی باعث ایجاد مشکلات زیادی در نوجوانی (Aghayousefi, Saravani, Zeraatee, Razeghi, & Pourabdol, 2016) و حتی عدم رضایت زناشویی در بزرگسالی می‌شود (Rajabi, Mousavian Nejad, & Taghi Pour, 2014) که در دوره نوجوانی مشکلات ارتباطی و کمرویی می‌تواند یکی از مهم‌ترین این مشکلات باشد. نتایج تحقیق چن، فو، لی و لئو (Chen, Fu, Li, & Liu, 2019) نشان داد که برقراری روابط مثبت می‌تواند موجب ایجاد تغییرات روبه رشد شده و کمرویی را کاهش دهد. آرویی (Oroee, 2010) نشان داد که دانش‌آموزان با دل‌بستگی نالیمن در مقایسه با دانش‌آموزان با دل‌بستگی ایمن کمرویی بیشتری دارند. روشن قیاس، یوسف‌پور، اندرواژ و خلیلی (Roshan Qeyas, Yousefpour, Anderwazh, & Khalili, 2016) نشان دادند که بین سبک دل‌بستگی ایمن با کمرویی دانش‌آموزان رابطه منفی و معنادار و بین سبک‌های دل‌بستگی نالیمن با کمرویی دانش‌آموزان رابطه مثبت و معنادار وجود دارد.

علاوه بر سبک‌های دل‌بستگی و سبک‌های فرزندپروری و بر اساس مدل آسیب‌پذیری-استرس در آسیب‌شناسی روانی، طرح‌واره‌ها (schemas) از دیگر عوامل زمینه‌ساز در آسیب‌پذیری کودکان محسوب می‌شود (Shahamat, Sabeti & Rezvani, 2010). طرح‌واره‌ها ساختارهای پایدار و بادوامی هستند که به مثابه عدسی‌هایی بر ادراک فرد از جهان، خود و دیگران اثر می‌گذارند، این طرح‌واره‌ها در مراحل اولیه زندگی کودکان و در نتیجه تجارب با والدین و هم‌سالان به وجود می‌آیند و فرض بر این است که این طرح‌واره‌ها راهنمای بسیاری از شناخت‌ها، احساسات و رفتارهای ناکارآمدند (Young, 2003; Shorey, Stuart, Anderson, & Strong, 2013). طرح‌واره‌ها ضمن تسهیل کارکرد شناختی، می‌توانند موجب تداوم مشکلات روانی شوند (Lobbetael, Arentz, & Sieswerda, 2005). لذا آن

دسته از طرح‌واره‌هایی که به شکل‌گیری مشکلات روان‌شناختی منجر می‌شوند را طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه می‌نامند. طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در افرادی که مشکلات روان‌شناختی دارند، از طرح‌واره‌های افراد عادی انعطاف ناپذیرتر، خشک‌تر و عینی‌تر هستند (Johnston, Dorahy, Courtney, Bayles, & O'Kane, 2009). یانگ پانزده طرح‌واره ناسازگار اولیه که عامل مشکلات روان‌شناختی افراد است، را مطرح می‌کند، این طرح‌واره‌ها باورهایی هستند که افراد درباره خود، دیگران و محیط دارند و به‌طور معمول از ارضا نشدن نیازهای اولیه و به‌خصوص نیازهای عاطفی در دوران کودکی سرچشمه می‌گیرند که موجب سوگیری در تفسیر رویدادها می‌شوند، همچنین این سوگیری می‌تواند موجب آشفته شدن زندگی فرد شود (Najafi, Bitaraf, Mohammadifar & Zarei Motah Kalabi, 2015). حجم وسیعی از پژوهش‌ها به بررسی تأثیر طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در علائم مشکلات روان‌شناختی پرداخته‌اند (Turner, Rose, & Cooper, 2005). پژوهش رایت، کراوفورد و کاستیلو (Wright, Crawford, & Castillo, 2009) نشان داد که طرح‌واره‌ها بر آسیب‌شناسی روانی افراد اثر دارد. عارف‌نیا، سرندی و یوسفی (Arefnia, Sarandi, & Yousefi, 2012) نشان دادند که میانگین نمرات دانش‌آموزان دارای اضطراب مدرسه در تمام حوزه‌های طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه بیشتر از دانش‌آموزان بدون اضطراب مدرسه است. نتایج پژوهش نجف‌علی‌بیگی (Najafali Beigi, 2011) نشان داد که دانش‌آموزان دارای اضطراب اجتماعی در پنج حوزه طرح‌واره‌ها نمره بالاتری را نسبت به دانش‌آموزان عادی کسب کردند و نتایج پژوهش موسوی‌اصل و موسوی‌سادات (Moosavi Assl & Moosavi Sadat, 2014) رابطه بین طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و اختلال‌های اضطرابی را به‌طور معنی‌دار پیش‌بینی کرد. ابوالفتحی (Abolfathi, 2012) نیز نشان داد که دانش‌آموزان با اضطراب امتحان بالا در برخی از حوزه‌های طرح‌واره‌ها مانند طرد و بریدگی، خودگردانی و عملکرد مختل، محدودیت‌های مختل، دیگر جهت‌مندی و گوش به‌زنگی بیش از حد در مقایسه با دانش‌آموزان عادی نمرات بالاتری کسب کردند. به هر حال می‌توان بیان کرد که دانش‌آموزان کمرو در زمینه سبک‌های فرزندپروری والدین، سبک‌های دل‌بستگی و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه با دانش‌آموزان عادی تفاوت دارند. در این پژوهش سه فرضیه ارائه گردید: ۱- بین سبک‌های فرزندپروری والدین در دانش‌آموزان کمرو و عادی تفاوت وجود دارد. ۲- بین سبک‌های دل‌بستگی در دانش‌آموزان کمرو و عادی تفاوت وجود دارد. و ۳- بین طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در دانش‌آموزان کمرو و عادی تفاوت وجود دارد.

روش

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

پژوهش حاضر توصیفی از نوع علی-مقایسه‌ای بود. جامعه این پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان دوره متوسطه دوم شهرستان شاهین‌دژ از استان آذربایجان غربی بود. شصت دانش‌آموز کمرو (سی دانش‌آموز

دختر و سی دانش‌آموز پسر) و شصت دانش‌آموز عادی (سی دانش‌آموز دختر و سی دانش‌آموز پسر)، جمعاً ۱۲۰ دانش‌آموز به روش نمونه‌گیری تصادفی چندمرحله‌ای انتخاب شدند. ابتدا فهرستی از مدارس دوره متوسطه دوم شهرستان شاهین‌دژ تهیه شد، سپس از این فهرست دبیرستان (سه دبیرستان پسرانه و سه دبیرستان دخترانه) به صورت تصادفی انتخاب شدند و از هر کدام از دبیرستان‌های انتخاب شده، سه کلاس (یک کلاس در هر پایه) و در مجموع هجده کلاس انتخاب شدند. در نهایت، از این کلاس‌ها پانزده دانش‌آموز و در مجموع ۲۷۰ دانش‌آموز به صورت تصادفی انتخاب شدند. در نهایت، از مجموع ۲۷۰ دانش‌آموز، شصت دانش‌آموز که در آزمون کمرویی سموعی نمره بالای ۱۲۰ کسب کردند، انتخاب و شصت دانش‌آموز عادی نیز به صورت تصادفی انتخاب شدند. ملاک‌های ورود دانش‌آموزان کمرو به پژوهش عبارت‌اند از: ۱- کسب نمره بالای ۱۲۰ در آزمون کمرویی سموعی، ۲- عدم وجود معلولیت جسمی حاد و ۳- داشتن رضایت کامل جهت ورود و در پژوهش و ملاک‌های ورود دانش‌آموزان عادی به پژوهش عبارت‌اند از: ۱- کسب نمره کمتر از ۸۰ در آزمون کمرویی سموعی، ۲- عدم وجود معلولیت جسمی حاد و ۳- داشتن رضایت کامل جهت ورود به پژوهش.

ابزار اندازه‌گیری

پرسش‌نامه کمرویی سموعی (Samooei's Shyness Questionnaire). این آزمون توسط سموعی (Samui, 2003) ساخته شده و ۴۴ ماده دارد که ماده‌های با محتوای مثبت از صفر تا چهار و ماده‌های با محتوای منفی از چهار تا صفر نمره‌گذاری می‌شوند. بشیرپور، سلیمی و فرحبخش (Bashirpur, Salimi, & Farahbakhsh, 2013) ضرایب پایایی این پرسش‌نامه را با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۸۰ و بازآزمایی ۰/۹۷ و ضریب روایی هم‌زمان پرسش‌نامه با مصاحبه سازمان‌یافته ۰/۸۱ ($P < ۰/۰۰۱$) گزارش کردند.

پرسش‌نامه سبک‌های فرزندپروری بامریند (Bamerind's Questionnaire of Parentings Styles). این پرسش‌نامه توسط بامریند در سال ۱۹۷۲ (Baumrind, 1972) ساخته شده و سی ماده دارد که سه سبک فرزندپروری مقتدرانه (۱۰ ماده)، مستبدانه (۱۰ ماده) و سهل‌گیرانه (۱۰ ماده) را می‌سنجد. بوری (Buri, 1991) ضرایب پایایی این پرسش‌نامه را با استفاده از روش بازآزمایی برای مادران و پدران به ترتیب برای سبک‌های مقتدرانه ۰/۷۸ و ۰/۸۸، مستبدانه ۰/۸۶ و ۰/۸۵ و سهل‌گیرانه ۰/۸۱ و ۰/۷۷ به دست آورده‌اند.

مقیاس دل‌بستگی بزرگسالان (Adult Attachment Inventory). این مقیاس توسط هازن و شیور (Hazan & Shaver, 1987) ساخته شده و ۲۱ ماده دارد که سه سبک دل‌بستگی ایمن (۸ ماده)، نایمن (۶ ماده) و نایمن دوسوگرا (۷ ماده) را در مقیاس پنج درجه‌ای طیف لیکرت می‌سنجد. ضرایب پایایی آلفای کرونباخ سبک‌های ایمن، نایمن اجتنابی و نایمن دوسوگرا را به ترتیب ۰/۷۴، ۰/۷۲ و ۰/۷۲ و

رحیمیان‌بوگر، نوری، عریضی، مولوی و فروغی‌مبارکه (Nour, Oreizy, Molavi, Rahimian Boogar, 2007) و ضرایب آلفای کرونباخ سبک‌های دوسوگرا ۰/۸۳، سبک اجتنابی ۰/۸۱ و سبک ایمن ۰/۷۷ گزارش کرده‌اند.

فرم کوتاه پرسش‌نامه طرح‌واره یانگ (Schema Questionnaire-Short Form Yangs).

این پرسش‌نامه توسط یانگ (Young, 1998) ساخته شده و یک ابزار خود توصیفی است که دارای ۷۵ ماده ۶ گزینه‌ای می‌باشد که برای ارزیابی ۱۵ طرح‌واره ناسازگار اولیه محرومیت هیجانی (emotional deprivation)، رها شدگی (abandonment)، بی‌اعتمادی/بدرفتاری (mistrust/abuse)، انزوای اجتماعی (social isolation/alienation)، نقص/شرم (defectiveness/unlovability)، شکست (failure to achieve)، وابستگی/ بی‌کفایتی (impaired autonomy and performanc)، آسیب‌پذیری در برابر ضرر (vulnerability to harm)، گرفتاری (enmeshment)، اطاعت (subjugation)، فداکاری (self-sacrifice)، بازداری هیجانی (emotional inhibition)، معیارهای سرسختانه (unrelenting standards)، استحقاق (entitlement) و خویش‌داری (insufficient) می‌باشد. در این پرسش‌نامه هر پنج ماده یک طرح‌واره را می‌سنجد. ضرایب پایایی این پرسش‌نامه در خرده مقیاس‌ها بالاتر از ۰/۸۰ گزارش شده است (Waller, Caroline & Vartouhi, 2001).

روند اجرای پژوهش

پس از کسب مجوزهای لازم برای اجرای پژوهش، شش مدرسه متوسطه (سه مدرسه پسرانه و سه مدرسه دخترانه) به صورت تصادفی و از هر مدرسه سه کلاس؛ یک کلاس از پایه دهم، یک کلاس از پایه یازدهم و یک کلاس از پایه دوازدهم برگزیده شدند. از هر کدام از کلاس‌های انتخاب شده پانزده دانش‌آموز به صورت تصادفی انتخاب و با پرسش‌نامه کمرویی سموعی مورد ارزیابی قرار گرفتند. درنهایت، شصت دانش‌آموز کمرو (نمره بالای ۱۲۰) و شصت دانش‌آموز عادی (نمره کمتر از ۸۰) به صورت تصادفی انتخاب شدند. ملاک‌های ورود دانش‌آموزان به پژوهش عبارت بودند از: ۱- کسب نمره بالاتر از ۱۲۰ در آزمون کمرویی در دانش‌آموزان کمرو و کسب نمره کمتر از ۸۰ در دانش‌آموزان عادی، ۲- عدم وجود معلولیت جسمی حاد و ۳- داشتن رضایت کامل جهت ورود به پژوهش.

تحلیل داده‌ها

برای بررسی سه فرضیه‌ی پژوهش از روش آماری t-test گروه‌های مستقل و نرم افزار آماری SPSS استفاده گردید.

یافته‌ها

جدول ۱
شاخص‌های آماری متغیرهای پژوهش (n = ۱۲۰)

گروه عادی		گروه کمرو		فرای مقیاس‌ها	متغیرها
انحراف استاندارد	میانگین	انحراف استاندارد	میانگین		
۳/۳۹	۳۲/۶۵	۶/۳۸	۲۳/۵۵	مقتدرانه	سبک‌های فرزندپروری
۶/۳۸	۱۹/۴۵	۶/۸۰	۲۵/۱۸	مستبدانه	
۶/۶۲	۲۰/۵۵	۵/۲۰	۲۲/۳۸	سهل‌گیرانه	
۴/۶۴	۲۸/۰۲	۵/۰۸	۲۰/۵۷	ایمن	سبک‌های دل‌بستگی
۳/۱۵	۱۵/۰۵	۴/۸۹	۲۰/۰۸	ناایمن اجتنابی	
۳/۰۲	۱۶/۸۰	۴/۹۷	۲۳/۱۸	ناایمن دوسوگرا	
۳/۶۲	۱۱/۸۵	۶/۲۸	۲۰/۷۳	محرومیت هیجانی	طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه
۳/۶۴	۱۳/۱۳	۵/۴۳	۱۷/۸۷	رهاشدگی	
۳/۸۷	۱۲/۸۷	۴/۷۰	۱۹/۱۵	بی‌اعتمادی/بدرفتاری	
۵/۰۵	۱۲/۲۳	۵/۴۴	۲۲/۰۳	انزوای اجتماعی	
۳/۹۶	۹/۹۳	۶/۳۱	۱۵/۵۷	نقص/شرم	
۳/۴۰	۹/۱۳	۶/۱۳	۱۵/۹۷	شکست	
۴/۳۴	۱۱/۳۷	۵/۶۵	۱۷/۱۳	وابستگی/بی‌کفایتی	
۳/۸۳	۹/۹۳	۵/۷۲	۱۴/۶۲	آسیب‌پذیری در برابر ضرر	
۳/۵۶	۱۱/۷۳	۵/۵۱	۱۶/۶۷	گرفتاری	
۵/۶۰	۱۵/۲۰	۴/۸۵	۲۰/۳۳	اطاعت	
۳/۹۰	۱۷/۵۷	۵/۵۵	۱۸/۹۸	ایثار	
۴/۳۰	۱۳/۱۰	۴/۵۲	۲۳/۱۰	بازداری هیجانی	
۴/۲۰	۱۵/۷۰	۴/۲۴	۲۰/۰۳	معیارهای سرسختانه	
۴/۲۷	۱۸/۵۰	۴/۵۲	۱۹/۷۷	استحقاق	
۳/۵۸	۱۱/۷۷	۵/۸۵	۱۵/۴۲	خویش‌داری/خودانضباطی ناکافی	

همان‌گونه که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، میانگین متغیرهای سبک‌های فرزندپروری، سبک‌های دل‌بستگی و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در گروه‌های دانش‌آموزان کمرو گروه کمرو نسبت به گروه عادی در تعدادی از متغیرها بالاتر و یا پایین‌تر است.

همچنین در جدول ۲ مشاهده می‌شود، بین دانش‌آموزان کمرو و عادی در سبک‌های فرزندپروری مقتدرانه و مستبدانه؛ سبک‌های دل‌بستگی ایمن، ناایمن اجتنابی و ناایمن دوسوگرا و طرح‌واره‌های محرومیت هیجانی، رهاشدگی، بی‌اعتمادی/بدرفتاری، انزوای اجتماعی، نقص/شرم، شکست،

وابستگی/بی‌کفایتی، آسیب‌پذیری در برابر ضرر، گرفتاری، اطاعت، بازداری هیجانی، معیارهای سرسختانه و خویشن‌داری / خودانضباطی ناکافی تفاوت معنادار وجود دارد؛ یعنی میانگین نمرات دانش‌آموزان عادی در سبک فرزندپروری مقتدرانه و سبک دل‌بستگی ایمن از دانش‌آموزان کمرو بالاتر است و در سایر خرده‌مقیاس‌ها دانش‌آموزان کمرو در مقایسه با دانش‌آموزان عادی میانگین نمرات بیشتری را کسب کرده‌اند. اما در خرده‌مقیاس‌های سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه و طرح‌واره‌های ایثار و استحقاق بین دو گروه تفاوت وجود ندارد.

جدول ۲

نتایج مقایسه دانش‌آموزان کمرو و عادی در سبک‌های فرزندپروری، سبک‌های دل‌بستگی و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه (n=۱۲۰)

متغیرها	زیر مقیاس‌ها	تفاوت میانگین‌ها	تفاوت خطای معیار	مقدار t	درجه آزادی	سطح (p)	حد پایین فاصله اطمینان	حد بالای فاصله اطمینان
مقتدرانه	شیوه‌های مستبدانه	۹/۱۰	-۰/۹۳	۹/۷۵	۱۱۸	۰/۰۰۱	۷/۲۵	۱۰/۹۵
	فرزندپروری سهل‌گیرانه	-۵/۷۳	۱/۲۰	-۴/۷۶	۱۱۸	۰/۰۰۱	-۸/۱۲	-۳/۳۵
	ایمن	-۱/۸۳	۱/۱۰	-۱/۶۹	۱۱۸	۰/۰۹۴	-۳/۹۹	۰/۳۲
سبک‌های دل‌بستگی	نالیمن اجتنابی	۷/۴۵	-۰/۹۰	۸/۳۸	۱۱۸	۰/۰۰۰	۵/۶۹	۹/۲۱
	نالیمن دوسوگرا	-۵/۰۳	-۰/۷۵	-۶/۷۰	۱۱۸	۰/۰۰۰	-۶/۵۲	-۳/۵۴
	محرومیت هیجانی	-۶/۳۸	-۰/۷۵	-۸/۵۰	۱۱۸	۰/۰۰۰	-۷/۸۷	-۴/۹۰
رهایندگی	بی‌اعتمادی/بدرفتاری	-۸/۸۳	-۰/۹۳	-۹/۴۹	۱۱۸	۰/۰۰۱	-۱۰/۷۴	-۷/۰۳
	انزوای اجتماعی	-۴/۷۳	-۰/۸۴	-۵/۶۱	۱۱۸	۰/۰۰۱	-۶/۴۰	-۳/۰۶
	نقص/شرم	-۶/۲۸	-۰/۷۸	-۷/۹۹	۱۱۸	۰/۰۰۱	-۷/۸۴	-۴/۷۳
طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه	شکست	-۹/۸۰	-۰/۹۵	-۱۰/۲۲	۱۱۸	۰/۰۰۱	-۱۱/۷۰	-۷/۹۰
	وابستگی/بی‌کفایتی	-۵/۶۶	-۰/۹۶	-۵/۸۹	۱۱۸	۰/۰۰۱	-۷/۵۷	-۳/۷۶
	طرح‌واره‌های آسیب‌پذیری در برابر ضرر	-۶/۸۳	-۰/۹۰	-۷/۵۵	۱۱۸	۰/۰۰۱	-۸/۶۲	-۵/۰۴
طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه	طرح‌واره‌های آسیب‌پذیری در برابر ضرر	-۵/۷۷	-۰/۹۲	-۶/۲۶	۱۱۸	۰/۰۰۱	-۷/۵۹	-۳/۹۴
	گرفتاری	-۴/۶۸	-۰/۸۹	-۵/۲۷	۱۱۸	۰/۰۰۱	-۶/۴۴	-۲/۹۲
	اطاعت	-۴/۹۳	-۰/۸۵	-۵/۸۲	۱۱۸	۰/۰۰۱	-۶/۶۱	-۳/۲۵
بازداری هیجانی	ایثار	-۵/۱۳	-۰/۹۶	-۵/۳۷	۱۱۸	۰/۰۰۱	-۷/۰۳	-۳/۲۴
	بازداری هیجانی	-۱/۴۲	-۰/۸۷	-۱/۶۲	۱۱۸	۰/۱۰۸	-۳/۱۵	۰/۳۲
	معیارهای سرسختانه	-۰/۱۰	-۰/۸۱	-۱۲/۴۱	۱۱۸	۰/۰۰۱	-۱۱/۵۹	-۸/۴۰
استحقاق	معیارهای سرسختانه	-۴/۳۳	-۰/۷۷	-۵/۶۲	۱۱۸	۰/۰۰۱	-۵/۸۶	-۲/۸۱
	استحقاق	-۰/۶۷	-۰/۸۰	-۸/۳	۱۱۸	۰/۴۰۸	-۲/۲۶	۰/۹۲
	خویشن‌داری/خودانضباطی ناکافی	-۳/۶۵	-۰/۸۸	-۴/۱۲	۱۱۸	۰/۰۰۱	-۵/۴۰	-۱/۹۱

بحث

نتایج نشان داد که میانگین شیوه‌های فرزندپروری والدین دانش‌آموزان کمرو کمتر از دانش‌آموزان عادی است. نتایج پژوهش‌های فراهینی، افروز و رسول‌زاده طباطبایی (Farahini, Afrouz, & Rasoulzadeh Tabatabaee, 2013)، تقوی و همکاران (Taghavi et al., 2013)؛ درویزه و آزادی (Darvizeh & Azadi, 2010) و حسین‌چاری، آقادلورپور و دهقانی (Hosseinchari, Delavrapour, & Dehghani, 2007) همسو است. این گونه می‌توان گفت که والدین مقتدر، در عین حال که با فرزندان خود، گرم، مهربان و پذیرنده هستند، محدود کننده نیز هستند، اما علت محدودیت‌هایی را که اعمال می‌کنند با منطق و استدلال برای فرزندان خود توضیح می‌دهند، در حد معقول پاسخگوی نیازهای فرزندان خود هستند و همیشه رفتارهای مثبت آن‌ها را تأیید نموده و تا جایی که امکان داشته باشد از تشبیه خودداری می‌کنند (Reitman, Rhode, Hupp, & Altobello, 2002)، که همین محبت و پاسخگویی والدین به‌عنوان قابل اعتمادترین منابع عاطفی و اجتماعی، تأثیرات مفید و مطلوبی بر قابلیت اثرات ناشی از حس کفایت و شایستگی نوجوانان دارد که از طریق رفتار والدین به آن‌ها انتقال داده شده است و نتیجه نهایی آن می‌تواند پرورش نوجوانانی با توانایی اجتماعی بالا و کمرویی پایین باشد.

در رابطه با شیوه فرزندپروری مستبدانه نتایج نشان داد که میانگین نمرات دانش‌آموزان کمرو در این خرده مقیاس از میانگین دانش‌آموزان عادی بیشتر است. این یافته با نتایج پژوهش‌های زیمباردو و رادل (Zimbardo & Radl, 1981)، تقوی و همکاران (Taghavi et al., 2013) و حسین‌چاری و همکاران (Hosseinchari et al., 2007) که نشان دادند شیوه فرزندپروری مستبدانه مؤثرترین عامل در بروز کمرویی است، هماهنگ است.

یکی از مهم‌ترین موقعیت‌هایی که منجر به ظهور کمرویی در افراد می‌شود، قرار گرفتن فرد در معرض مراجع قدرت و افراد مهم است (Zimbardo, 1999). چنین یافته‌ای قابل تبیین است، به‌ویژه اینکه در برخی از خانواده‌های ایرانی، هنوز اعمال قدرت و تحکیم به‌ویژه از جانب پدر، به‌عنوان مهم‌ترین ابزار برای تربیت فرزندان وجود دارد. دلیل دیگر این یافته ممکن است ارزیابی مفرط والدین سلطه‌گر از نحوه رفتار فرزندان خود باشد، بخصوص اینکه همواره افراد کمرو نگران ارزیابی منفی اطرافیان در مورد رفتار و اعمالشان هستند (Miller, 1995).

نتایج به‌دست آمده نشان داد که شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه والدین در دو گروه از دانش‌آموزان کمرو و عادی متفاوت نیست. پژوهش حسین‌چاری و همکاران (Hosseinchari, Delavrapour & Dehghani, 2007) نشان داد که کمرویی در نوجوانانی که شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه دارند در کمترین حد خود است. اما تقوی و همکاران (Taghavi et al., 2013) نشان دادند که بین کمرویی و شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه رابطه مثبت وجود دارد، همسو نمی‌باشد.

با توجه به اینکه شواهد تحقیقاتی چندانی در تأیید یا ردّ این یافته وجود ندارد، باید به این نکته توجه داشت که پایین بودن میزان کمرویی در این نوع فرزندپروری لزوماً به معنی مثبت بودن اعمال این شیوه

نیست. در حقیقت بر اساس این یافته نمی‌توان بر مقبولیت شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه و بکارگیری رفتارهای مرتبط با آن از سوی والدین، مهر تأیید گذاشت، زیرا طبق تحقیقات کاساس، ویگل، کریک، استراو، وودز، جانسن‌ین و هاولستون کاساس (Casas, Weigel, Crick, Ostrov, Woods, Jansen, 2006) (Yeh & Huddleston Casas, 2006) بروز رفتارهای پرخاشگرانه و خصومت‌آمیز در فرزندان، از پیامدهای شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه است. آنچه مسلم است چنین رفتارهایی در نقطه مقابل کمرویی قرار دارند، به نحوی که در تعامل‌های اجتماعی معمولاً یکی از این دو نوع رفتار در فرد می‌تواند غالب باشد و در واقع، وجود این دو رفتار به‌طور همزمان در یک فرد تقریباً نامحتمل است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که اگرچه در فرزندپروری سهل‌گیرانه کودک کمرو بار نمی‌آید، ولی این امر لزوماً به معنی بهنجار بودن این شیوه نیست (Hosseinchari, Delavrapour & Dehghani, 2007). به‌طور کلی می‌توان گفت با نقشی که شیوه‌های فرزندپروری در بالا بردن اعتماد بنفس، ایجاد خودپنداره مثبت و رشد اجتماعی در فرزندان دارد، انتظار می‌رود فرزندان که تحت تأثیر شیوه‌های فرزندپروری مناسب هستند، کمرویی پایین‌تری نسبت به افرادی که تحت تأثیر روش‌های نامناسب فرزندپروری قرار دارند، برخوردار باشند و به تبع آن جسارت و جرأت ورود به چالش‌ها و مسائل بیشتری را داشته و از ظرفیت‌های بالاتر شناختی که زمینه‌ساز ارتباطات و روابط اجتماعی قوی‌تری است، بهره‌مند گردند.

نتایج نشان داد که بین دو گروه از دانش‌آموزان کمرو و عادی در هر سه خرده مقیاس سبک‌های دل‌بستگی تفاوت آماری معناداری مشاهده گردید. این نتیجه بیانگر این می‌باشد که میانگین نمرات دانش‌آموزان عادی در سبک دل‌بستگی ایمن از دانش‌آموزان کمرو بیشتر است و میانگین نمرات دانش‌آموزان کمرو سبک‌های دل‌بستگی ناایمن اجتنابی و ناایمن دوسوگرا از میانگین نمرات دانش‌آموزان عادی بیشتر می‌باشد. از جمله پژوهش‌های همسو با این یافته‌ها می‌توان به پژوهش‌های اروئی (Oroee, 2010) و روشن‌قیاس، یوسف‌پور، اندرواژ و خلیلی (Roshan Qeyas, Yousefpour, Anderwazh & Khalili, 2016) اشاره کرد. همچنین ادواکی و سیکریکسی (Odacı & Çıkrıkçı, 2014) و اوشری، سوئن، کلی وارنر و میلر (Oshri, Sutton, Clay-Warner & Miller, 2015) در پژوهش‌های مشابهی نشان دادند که سبک دل‌بستگی ایمن در دانش‌آموزان، بهزیستی روان‌شناختی بالاتر در دوران مدرسه را پیش‌بینی می‌کند.

بررسی‌های به‌عمل آمده نشان می‌دهند که سبک‌های دل‌بستگی یکی از مهم‌ترین عوامل در تعاملات بین‌فردی است که در دوران کودکی فرد شکل گرفته و با توجه به محیطی که در آن تحول یافته است در سنین بعدی نیز ادامه می‌یابد (Bowlby, 1980). با نگاهی گذرا به تحقیقات مطرح شده می‌توان نتیجه گرفت که دل‌بستگی اولیه بر ارتباطات بعدی و رشد مهارت‌های اجتماعی افراد تأثیر می‌گذارد. به عبارت دیگر سبک دل‌بستگی ایجاد شده موجب شکل‌گیری خودپنداره خاص در فرد می‌شود که می‌تواند نقش اساسی در تحول وی ایفا نماید. در واقع خودپنداره دید جامع فرد درباره خودش است که با تجربه او و تفسیر دیگران از آن تجربه شکل می‌گیرد و متحول می‌شود، که این خودپنداره روابط و ارتباطات افراد را جهت می‌دهد. بنابراین می‌توان اظهار کرد که سبک‌های دل‌بستگی به‌عنوان شیوه‌ای

اساسی که از طریق آن افراد با جهان ارتباط برقرار می‌کنند، روابط اجتماعی افراد را شکل می‌دهند و کیفیت این روابط با نوع دل‌بستگی ایجاد شده ارتباط دارد.

نتایج نشان داد که بین دو گروه از دانش‌آموزان کمرو و عادی در طرح‌واره‌های محرومیت هیجانی، رهاشدگی، بی‌اعتمادی/بدرفتاری، انزوای اجتماعی، نقص/ شرم، شکست، وابستگی/ بی‌کفایتی، آسیب‌پذیری در برابر ضرر، گرفتاری، اطاعت، بازداری هیجانی، معیارهای سرسختانه و خویش‌داری/خود انضباطی ناکافی تفاوت آماری معنادار مشاهده گردید، اما در طرح‌واره‌های ایثار و استحقاق تفاوت بین دو گروه مشاهده نشد. این نتیجه بیانگر این است که میانگین نمرات دانش‌آموزان کمرو به‌جز در طرح‌واره‌های ایثار و استحقاق در بقیه طرح‌واره‌ها از دانش‌آموزان عادی بیشتر است. عارف‌نیا، سرنیدی و یوسفی (Arefnia, Sarandi & Yousefi, 2012) نشان دادند که میانگین نمرات دانش‌آموزان دارای اضطراب مدرسه در طرح‌واره‌های تهایی، آسیب‌پذیری، بی‌اعتمادی/بدرفتاری، نقص، شکست، اطاعت، معیارهای سرسختانه، ایثار، گرفتاری، استحقاق و خویش‌داری/خود انضباطی ناکافی بیشتر از دانش‌آموزان بدون اضطراب مدرسه است. همچنین ابوالفتحی (Abolfathi, 2012) نشان داد که دانش‌آموزان با اضطراب امتحان بالا به‌غیر از طرح‌واره‌های محرومیت هیجانی، رهاشدگی، بی‌اعتمادی/بدرفتاری، انزوای اجتماعی، اطاعت و بازداری هیجانی در سایر طرح‌واره‌ها در مقایسه با دانش‌آموزان عادی نمرات بالاتری گرفتند. در پژوهش دیگری نجفعلی بیگی (Najafali Beigi, 2011) نشان داد که در پنج حوزه از طرح‌واره‌ها دانش‌آموزان دارای اضطراب اجتماعی در مقایسه با دانش‌آموزان عادی نمرات بالاتری گرفتند. لطفی، دنیوی و خسروی (Lotfi, Donyavi & Khosravi, 2007) و پاکدل (Pakdel, 2010) نشان دادند نمرات طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در گروه‌های بالینی بیشتر از گروه افراد عادی است که به‌صورت غیرمستقیم همسو با نتایج ای یافته می‌باشد. در تبیین این یافته باید گفت که طرح‌واره‌ها حاصل تکامل خلق و خوی کودک با تجارب ناکارآمد او با خانواده و اطرافیان در سال‌های اولیه زندگی می‌باشد (Jill, Michiel & Vreeswijk, 2008) که به دلیل ارضا نشدن پنج نیاز هیجانی اساسی؛ ۱- دل‌بستگی ایمن به دیگران، مانند نیاز به امنیت ۲- خودگردانی، کفایت و هویت ۳- آزادی در ابراز هیجان‌ها و نیازهای سالم ۴- خودانگیختگی و تفریح و ۵- محدودیت‌های واقع‌بینانه و خویش‌داری، در دوران کودکی به وجود آمده‌اند (Skeen, 2007)، یانگ (Young, 1994) معتقد است که طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه قدیمی‌ترین مؤلفه‌های شناختی و باورها و احساسات غیر شرطی درباره خودمان هستند و از تعامل خلق و خوی فطری کودک با تجارب ناکارآمد او با والدین، خواهر و برادرها و همسالان در طی سال‌های اولیه زندگی به وجود می‌آیند و این طرح‌واره‌های غیر شرطی، آسیب‌پذیری و اشکال نوروتیک و اختلال‌ها و مشکلات روان‌شناختی را افزایش می‌دهند (Young, 1994). آن‌ها الگوهایی خود تداوم بخش از خاطرات، هیجان‌ات، شناخت‌ها، حواس و ادراکات انسان از محیط هستند. کار خود را از روی عادت و به راحتی انجام می‌دهند و هنگامی که فرد با چالشی مواجه می‌شود به جای تغییر طرح‌واره، اطلاعات دریافتی را تحریف می‌کنند (Young, 1994). همان‌طور که اشاره شد پژوهش‌های صورت گرفته در رابطه با طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و علایم آسیب‌شناسی روانی همواره بر اهمیت وجود این طرح‌واره‌ها در شکل‌گیری علایم صحنه گذارده است. بنابراین می‌توان گفت که عوامل خانوادگی اصلی‌ترین عامل در شکل‌گیری طرح‌واره‌ها محسوب می‌شوند و نوجوانان دارای طرح‌واره‌های ناکارآمد در دوران اولیه کودکی روابط

عاطفی نامناسبی را با والدین و مراقبین خود تجربه کرده‌اند که منجر به شکل‌گیری باورهای ارزیابی‌گرایانه در مورد خود و دیگران شده است و همین ارزیابی‌های منفی و نامناسب در روابط و تعاملات بین فردی شخص نیز تأثیر نامطلوبی گذاشته و باعث مشکلات ارتباطی شده است. محدودیت این پژوهش مربوط به دانش‌آموزان مقطع متوسطه دوم شهرستان شاهین دژ است که در تعمیم نتایج باید احتیاط کرد.

نتیجه‌گیری

هدف از انجام پژوهش حاضر، بررسی دانش‌آموزان کمرو و عادی از لحاظ شیوه‌های فرزندپروری، سبک‌های دل‌بستگی و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهرستان شاهین دژ بود. نتایج نشان داد که میانگین نمرات دانش‌آموزان کمرو در سبک فرزندپروری مقتدرانه و سبک دل‌بستگی ایمن از دانش‌آموزان عادی کمتر و در سبک فرزندپروری مستبدانه و سبک‌های دل‌بستگی نایمن اجتنابی و دوسوگرا از دانش‌آموزان عادی بیشتر بود ولی در سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه تفاوت بین دو گروه مشاهده نشد. هم‌چنین میانگین نمرات دانش‌آموزان کمرو در تمامی حوزه‌های طرح‌واره‌ها به‌غیر از حوزه‌های ایثار و استحقاق از میانگین نمرات دانش‌آموزان عادی بالاتر بود.

منابع مالی: این پژوهش با هزینه شخصی نویسندگان انجام گرفته است.

تضاد منافع: در این پژوهش هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

سپاسگزاری: از کلیه افرادی که ما را در این پژوهش یاری کردند و به‌ویژه از دکتر امید عیسی‌نژاد بابت راهنمایی‌هایشان کمال تشکر را داریم.

References

- Abolfathi, M. (2012). *Comparison of initial maladaptive schemas among students with high test anxiety and normal students*. M.A. Thesis in Consultation, Allameh Tabatabaei University, Tehran. (Persian)
- Aghayousefi, A., Saravani, S., Zeraatee, R., Razeghi, F. S., & Pourabdol, S. (2016). Prediction of students' academic performance based on attachment styles and different levels of adjustment. *Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology*, 21(4), 308- 316. (Persian)

- Ahi, Q. (2006). *Standardization of the Young Form Schema Short Form*. M.A. Thesis in Psychology, Allameh Tabatabaei University, Tehran. (Persian)
- Alizadeh, F. (2011). *Investigating the relationship between schemes early mismatches with couples' marital conflicts*. M.A. Thesis in Counseling, Payame Noor University of Tabriz Branch, Tabriz. (Persian)
- Arefnia, S., Sarandi, P., & Yousefi, R. (2012). The comparison of early maladaptive schemas in secondary school students with and without school anxiety. *Journal of Psychology, 1*(4), 74-89. (Persian)
- Baranoff, J., Oeil, T. (2007). Young Schema Questionnaire: Review of psychometric and measurement issues. *Australian Journal of Psychology, 7*(95), 27-78.
- Basharat, M. A. (2000). *Standardization of attachment scale*. Research Report of University of Tehran. <http://jip.azad.ac.ir>. (Persian)
- Bashirpur, M., Salimi, M., & Farahbakhsh, K. (2013). Comparison the effect of group counseling based on existential and cognitive-behavioural approaches on the degree of shyness of students. *Knowledge & Research in Applied Psychology, 14*(52), 51-60. (Persian)
- Baumrind, D. (1972). Current patterns of parental authority. *Developmental Psychology, 4*(1-2), 1-103.
- Baumrind, D. (1991). The influence of parenting style on adolescent competence and substance use. *The Journal of Early Adolescence, 11*(1), 56-95.
- Berk, L. (2002). *Child developments* (Vol. 5). New York: Brooks/Cole.
- Bowlby, J. (1980). *Attachment and love* (Vol. 1). New York: Basic Books.
- Brown, G., Gustafsson, H. C., Millskoonce, R., & Cox, M. J. (2017). Associations between early caregiving & rural, low-SES, African-American children's representations of attachment relationships. *Journal of Attachment & Human Development, 19*(4), 340-363.
- Brone, L., Lionetti, F., & Green, J. (2017). A matter of attachment? How adoptive parents foster post. *Institutionalized Children's Social & Emotional Adjustment, 19*(4), 323-339.
- Buri, J. R. (1991). Parental authority questionnaire. *Journal of Personality Assessment, 57*(1), 110-119.
- Buss, D. M. (1991). Evolutionary personality psychology. *Annual Review of Psychology, 42*(1), 459-491.
- Chen, X., Fu, R., Li, D., & Liu, J. (2019). Developmental trajectories of shyness-sensitivity from middle childhood to early adolescence in China: Contributions of peer preference and mutual friendship. *Journal of Abnormal Child Psychology, 47*(7), 1197-1209.
- Chen, Y. M., Wu, Y. P., Zhang, Y. J., Wang, P., Han, L., & Gao, F. Q. (2014). Relationships between parenting style, self-perception and

- shyness among Chinese early adolescents. *Psychology Research*, 4(11), 897-904.
- Coplan, R. J., Parkash, K., O'Neil, K., & Armer, M. (2004). Do You "Want" to Play? Distinguishing Between conflicted shyness and social disinterest in early childhood. *Developmental Psychology*, 40(2), 244-258.
- Collins, N. L., & Read, S. J. (1994). *Cognitive representations of attachment: The structure and function of working models*. London: Jessica Kingsley.
- Colonnaesi, C., Nikoli, M., Vente, W. d., & Bögels, S. M. (2016). Social anxiety symptoms in young children: Investigating the interplay of theory of mind and expressions of shyness. *Journal of Abnormal Child Psychology*, 45(5), 997-1011.
- Darling, N., & Steinberg, L. (1993). Parenting style as context: An integrative model. *Psychological Bulletin*, 113(3), 487-496.
- Darvizeh, Z., Azadi, Sh. (2010). The Relationship between parenting styles and shyness in high school girls in Noorabad Mamsani. *Journal of Women and Society*, 1(2), 47-63. (Persian)
- Davoudi, I., Basak, S., & Zarezadegan, B. (2012). The effectiveness of positive parent training in reducing conduct problems of children and maternal stress of their mothers. *Biannual Journal of Applied Counseling*, 2(2), 45-59. (Persian)
- Eggum-Wilkens, N. D., Lemery-Chalfant, K., Aksan, N., & Goldsmith, H. H. (2015). Self-conscious shyness: Growth during toddlerhood, strong role of genetics, and no prediction from fearful shyness. *Journal of the International Congress of Infant Studies*, 20(2), 160-188.
- Esfandiari, Gh. (1995). *Comparison of parenting styles of mothers in two groups of children with behavioral disorder and the effect of mothers' education on reducing behavioral disorder*. M.A. Thesis in Psychology, Tehran Psychiatric Research Institute. (Persian).
- Faramarzi, S., Taghipour, J. A. A., Dehghani, M., & Moradi, M. R. (2013). The investigation and comparison between the attachment styles and mothers of parenting styles in ordinal students and students with learning disorder. *Journal of Jentashapir*, 4(3), 245-254. (Persian)
- Farahini, N., Afrouz, Gh. A., & Rasoulzadeh Tabatabaee, S. K. (2013). The Relationship between parenting styles and shyness with creativity in gorgeous. *School of Psychology*, 2(4), 137-153. (Persian)
- Hazan, C., & Shaver, P. R. (1987). Romantic love conceptualized as an attachment process. *Journal of Personality and Social Psychology*, 52(3), 511-524.
- Hosseinchari, M., Delavrapour, M., & Dehghani, Y. (2007). The role of parenting styles on high school students' shyness. *Contemporary Psychology Magazine*, 2(2), 21-30. (Persian)

- Jaafari, A., & Mehrafzoun, D. (2013). Effect of positive thinking skills training on adolescence shyness. *Journal of Psychological Research*, 5(20), 12-20. (Persian)
- Jill, L., Michiel, F., & Vreeswijk, A. (2008). An empirical test of schemas mode conceptualizations in personality disorders. *Journal of Behavior Research and Therapy*, 46(7), 854-860.
- Johnston, C., Dorahy, M. J., Courtney, D., Bayles, T., & O'Kane, M. (2009). Dysfunctional schema modes, childhood trauma and dissociation in borderline personality disorder. *J Behav Ther Exp Psychiatry*, 40(2), 248-255.
- Kuppens, S., & Ceulemans, E. (2019). Parenting styles: A closer look at a well-known concept. *Journal of Child and Family Studies*, 28(1), 168-181.
- Koumoundourou, G., Tsaousis, I., & Kounenou, K. (2011). Parental influences on greek adolescents' career decision-making difficulties: The mediating role of core self-evaluations. *Journal of Career Assessment*, 19(2), 165-182.
- Lobbestael, J., Arentz, A., & Sieswerda, S. (2005). Schema modes and childhood abuse in borderline and antisocial personality disorders. *Journal of Behavior Therapy and Experimental Psychiatry*, 36(3), 240-253.
- Lotfi, R., Donyavi, V., & Khosravi, Z. (2007). Comparison of early maladaptive schemas between personality disorder (cluster B) and normal subjects. *Annals of Military and Health Sciences Research*, 5(2), 1262-1266. (Persian)
- Masud, H., Ahmad, M. S., Cho, K. W., & Fakhr, Z. (2019). Parenting styles and aggression among young adolescents: A systematic review of literature. *Community Mental Health Journal*, 55, 1015-1030.
- Mohammad Sadeghi, H., Ahmadzad Asl, M., Mohammad Sadeghi, M., Ghanbari Jolfaei, A., & Nohesara, S. (2015). Comparison of attachment styles in subjects with and without obesity. *Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology*, 21(1), 37-49. (Persian)
- Moosavi Asl, S., & Moosavi Sadat, Z. (2014). The effectiveness of schema therapy in reduction of early maladaptive schemas on PTSD veterans men. *Armaghane Danesh*, 19(1), 89-99. (Persian)
- Miller, J., Schmidt, L., & Vaillancourt, T. (2008). Shyness, sociability, and eating problems in a non-clinical sample of female undergraduates. *Eating Behaviors*, 9(3), 352-359.
- Najafali Beigi, N. (2011). *Comparison of parenting styles and early maladaptive schemas of students with social anxiety and normal students of Arak girls' high school*, M.A. Thesis in Consultation, Allameh Tabatabaei University, Tehran. (Persian)
- Najafi, M., Bitaraf, M., Mohammadifar, M. A., & Zarei Motah Kalabi, E. (2015). The comparison of primary maladaptive schemas and cognitive

- insight between divorced and normal women. *Journal of Woman and Famale Studes*, 6(4), 41-58. (Persian)
- Odacı, H., & Çıkrıkçı, O. (2014). Problematic internet use in terms of gender, attachment styles and subjective well-being in university students. *Computers in Human Behavior*, 32, 61-66.
- Oshri, A., Sutton, T. E., Clay Warner, J., & Miller, J. D. (2015). Child maltreatment types and risk behaviors: Associations with attachment style and emotion regulation dimensions. *Personality and Individual Differences*, 73, 127-133.
- Oroee, S. (2010). *The Relationship between Attachment Styles and Shyness with Students' Achievement*. M.A. Thesis in Psychology, Tarbiat Modarres University, Tehran. (Persian)
- Pakdel, Y. (2010). *Comparison of early maladaptive scheme in normal and absolute individuals in Sabzevar*. M.A. Thesis in Clinical Psychology, Islamic Azad University of Roudehen Branch, Roudehen. (Persian)
- Rahimian Boogar, A., Nour, A., Oreizv, H., Molavi, H., & Foroughi Mobarake, A. (2007). Relationship between Adult Attachment Styles with Job Satisfaction and Job Stress in Nurses. *Iranian Journal of Psychiatry & Clinicak Psychology*, 13(2), 148-157. (Persian)
- Rajabi, GH., Mousavian Nejad, Kh., & Taghipour, M. (2014). Relationships attachment styles and emotional intelligence with marital satisfaction and marital conflict in married female teachers. *Biannual Journal of Applied Counseling*, 4(1), 49-66. (Persian)
- Riggs, S. A., & Han, G. (2009). Porodictors of anxiety and depression in emerging adulthood. *Journal of Adult Development*, 16(1), 39-52.
- Rose, J., Roman, N., Mwaba, K., & Ismail, K. (2017). The relationship between parenting & internalizing behaviors of children: A systematic review. *Journal of Early Child Developmental & Care*, 187(8), 1-19.
- Roshan Qeyas, E., Yousefpour, Gh., Anderwazh, S. T., & Khalili, S. (2016). Study of the relationship between attachment styles and identity with shyness in male students (first high school district of Dari Sari). *Journal of Researches of the United Nations*, 12(1), 90-73. (Persian)
- Samui, R. (2003). *Shyness Test*. Research Report of Sina's institute for the study of the behavioral sciences (Ravan Tahiz), 103. www.ravantajhiz.ir. (Persian)
- Seddigh Arfaei, F., & Naiarvan, Z. (2016). The relationship among attachment styles & assertiveness among university students. *Frooyesh*. 4(4), 35-48. (Persian)
- Shahamat, F., Sabeti, A. R., & Rezvani, S. (2010). The relationship between parenting styles and early maladaptive schemas. Psychology and Educational Studies. *Faculty of Educational Sciences, Ferdowsi University of Mashhad*, 11(2), 239-254. (Persian)
- Shaver, P., Schachner, D., & Mikulincer, M. (2005). Attachment style, excessive reassurance seeking, relationship processes, and depression. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 31(3), 343-359.

- Shorey, R. C., Stuart, G. L., Anderson, S., & Strong, D. R. (2013). Changes in early maladaptive schemas after residential treatment for substance use. *Journal of Clinical Psychology, 69*(9), 912-922.
- Skeen, M. (2007). A schema-focused analysis of Philip care in w, Somerset Maugham's "of Human Bondage. *Journal of Human Bondage Wright Institute, 105*, 481- 495.
- Taghavi, F., Irandost, R., Faramarzi, S., & Nikobakht, S. (2013). *A study on the relationship between parenting with shyness of high school students in Eghlid*. Tabriz University of Medical Sciences and Health Services. (Persian)
- Tan, C. S., Lau, X. S., & Lee, L. K. (2017). The mediating role of creative process engagement in the relationship between shyness & self-rated creativity. *The Journal of Creative Behavior, 51*(3), 1-9.
- Turner, H. M., Rose, K. S., & Cooper, M. J. (2005). Parental bonding and disorder symptoms in adolescents: The meditating role of core beliefs. *Eating Behaviours, 6*(2), 113-118.
- Waller, G., Caroline, M., & Vartouhi, O. (2001). Psychometric properties of the long and short versions of the Young Schema Questionnaire: Core beliefs among bulimic and comparison women. *Cognitive Therapy and Research, 25*(2), 137-147.
- Wright, M. O. D., Crawford, E., & Castillo, D. D. (2009). Childhood emotional maltreatment and later psychological distress among college students: The mediating role of maladaptive schemas. *Child Abuse & Neglect, 33*(1), 59-68.
- Yan, Y. C., Boen, C., Greken, K., Schorpp, K., & Harris, K. M. (2016). Social relationship & physiological determinant of longevity across the human life span. *Proceedings of The National Academy Sciences of The United States of America, 113*(3), 578-583.
- Young, J. (1998). *The Young Schema Questionnaire: Short Form*. Retrieved from <http://home.sprynet.com/sprynet/schema/ysqs.htm>.
- Young, J. E. (1994). *Cognitive therapy for personality disorders: A schema-focused approach* (3rd ed). Sarasota, FL: Professional Resource Press.
- Zarei, E. (2010). Relationship between parent child- rearing practices and High Risk Behavior on Basis of Cloninger's Scale. *Journal of Shaheed Sadoughi University of Medical Sciences, 18*(3), 220-224. (Persian)
- Zimbardo, P. G., & Radl, S. R. (1981). *The shy child*. New York: McGraw-Hill.

